

شنبه بیست و ششم آذرماه ۱۴۰۱  
نشست نهم فقه پزشکی؛ پرونده هشتم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة وليا وحافظا و قائدا و ناصرا و دليلا و عينا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طويلا

**اجیر کردن شخص برای آلوده کردن دیگری (مثل ویروس ایدز یا ...)**

ما وارد پرونده هشتم میشویم. هم نکات موردی این پرونده را باید نگاه کنیم هم نکات عمومی آن را ....

صحبت بر سر این است که ما تلاش داریم که موردی پیش نرویم و کار به قواعد کلی داریم که می توان از این پرونده ها اصطیاد کرد. یکی از سوالاتی که مکرر مرکز تحقیقات قوه قضاییه آمده و گاهی هم طلبه ها سوال کردند این بوده که اگر کسی شخصی را اجیر کند برای آلوده کردن دیگری مثل این که شخصی را می خواهد مبتلا کند به ویروس ایدز یا .... این کار بوده مثلا حاکمیت یک پزشکی را استخدام می کند و او این بیماری را به بدن شخص ثالث تزریق می کند ...

مهم در این نوع پرونده ها این است که پای دو نفر در کار است.

یکنفر سبب است و اجیرکننده است و یک نفر هم مباشر است (اجیر) و یک مظلومی هست (مجنی علیه  
(

درفانون مجازات امر روشنی قضات ما ندارند و به همین دلیل این سوالات را به مرکز تحقیقات ارسال کرده اند این جا چند سوال مطرح می شود یک سوال این است که آیا ما میتوانیم احکام محارب یا مفسد را بر این گونه آدم ها بار کنیم؟

و جالب است که بی طرفانه روی این بحثها کار شود.

**اردوگاه محارب و مفسد فی الارض در سرزمین قضاوت؛ تفارق یا تطابق**

از اول انقلاب سعی شد تا این دو اصطلاح محارب و مفسد از هم جدا تلقی شود تا راه باز شود برای محاکمه بسیاری از افراد؛

سوال شده اگر این انتقال ویروس به این شکل به بدن بیمار منتهی به مرگ شود، چه کسی ضامن است؛ اجیر ضامن است که آمپول را زده یا مستاجر ضامن است؟ اجیر کننده که پول را داده یا تهدید کرده؟ پس اگر به مرگ منتهی شود، چه کسی ضامن است؟

سوال بعد این است: در جایی که ویروس وارد بدن شخص می شود... آیا میتوان الان قصاص کرد؟ در حال حاضر امکان قصاص هست مثلا ثابت شد که به دستور زید عمرو ویروس ایدز را وارد بدن بکر کرده بگوئیم آقای بکر الان می تواند قصاص کند؛ او هم ویروس ایدز را وارد بدن اجیر کند اگر گفتیم مستاجر ضامن است وارد بدن مستاجر کند... امکان قصاص... یا باید بگذاریم چه می شود... شاید طرف خوب شد یا مرد باید دید حکم خدا چیست؟

سوال چهارم: بالاخره برخی وقتها مثل این ترور بیولوژیک هست مثل این که غذا ی مسمومی را به کسی می دهند تا بخورد تا دو سال بعد بمیرد و یا آمپول می زنند که جرحی وارد شود آیا می شود دیه گرفت به خاطر زخم یا ارش بگیرد...

لذا سوال کرده: آیا به لحاظ وارد کردن جرح عمدی و زوال منافع میتوان ارش یا دیه گرفت؟

سوال دیگر از آن نکات عام است؛ اصولا فاصله افتادن بین جنایت و مرگ تاثیری دارد در حکم جنایت یا نه؟

**آیا فاصله افتادن بین سبب و تحقق مرگ تغییری در مساله ایجاد می کند؟**

فرض کنید ده سال یا هشت سال بعد مرد؛ چه باید کرد؟

انشالله کسی پیدا شود این موضوع را کار کند؛ من ندیدم کسی در این باره کار کرده باشد.

موضوع جالبی است که اگر فاصله بیفتد بین جنایت و مرگ، مجازات هست یا نه و به چه شکلی است؟

و یا صورت دیگر قضیه این که ممکن است ماده ای به بدن تزریق شود و عمر را کوتاه کند البته این بحث با بحث قبلی فرق دارد و بحث قبلی این بود که فاصله می افتاد... مثلا بیست سالگی مسمومش می کنند و او هم سی سالگی می میرد... شاید به طور طبیعی هفتاد هشتاد سال عمر می کرد....

بحث فعلی این است که این آدم به طور طبیعی ده سال عمر می کرد اما الان با این کاری که روی او شد شد هشت سال.....

اگر حرکتی کاری باعث کوتاه شدن عمر شخص شود مثلا بچه هایی که شیمیایی شدند؛ این ها چه می شود؟

یا مثلاً پزشک به خاطر اشتباه عمدی و پزشکی به طرف دارویی داد که بجای این که ایشان سال ۰۵ فوت کند ۰۳ فوت کند... بالاخره اثباتا یا کارشناس تشخیص میدهد عدمش ثابت است یا کارشناس تشخیص میدهد و وجودش ثابت است یا این که در نهایت شک می کند.

التبه شک هم کند حکم عدم دارد بپذیرید مساله جای کار و بحث دارد .

ما باید هنرمان این باشد که بحث را توسعه دهیم و قواعد را اصطیاد کنیم .

راجع به سوال اول ما دو نهاد داریم: محاربه و افساد فی الارض یا محارب و مفسد ...

تعریف مشهور از محارب همان است که این روزها زیاد شنیدید.

من جرد السلاح لاختافة الناس ....

مثلاً برخی گفته اند جرد السلاح و تحققت الاختافة این ها چیزهایی است که اضافه کرده اند. و الا ممکن است کسی این کار را بکند ولی اخافه حاصل نشود به عبارتی غرض هست اما فایده نیست .

اما مفسد فی الارض تعریفی ندارد ....

بحث دیگر این است که ما شرعا دو نهاد داریم یا یک نهاد؟

از مرحوم آیت الله بهجت سوال می کنند... محارب و مفسد دو نهادند یا یک نهاد؟ که ایشان می گوید یک نهاد است ؛ و در واقع ایشان می خواهد بگوید مفسد چیزی غیر از محارب نیست. و به همین طریق این ها با این اعدام ها موافق نیستند اما از مرحوم امام خمینی نقل شده است که این ها دو تا هستند .

شاید کسی که از معاصران در این موضوع سنگ تمام گذاشته است آقای محمد مؤمن است . البته ممکن است اشکالاتی در بحث ایشان باشد اما فنی است.

اگر این موضوع محور بحث من بود شاید د و جلسه یا سه جلسه من شما را معطل می کردم ...

خود من معتقدم این ها دو نهادند و می توانند دو نهاد باشند . و لذا ما دستمان بسته نیست برای عنوان مفسد فی الارض البته من نمی خواهم برخی کارها را توجیه کنم

**بحث دیگر این است که قرآن دو نهاد قرار داده یا یک نهاد؟**

در سوره مائده : انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یصلبوا او یقطعوا .... این جا ما ببارخی که اصرار دارند بگویند آیه به دو گروه اشاره دارد و این کار را به قرآن سعی میکنند مستند کنند ما این را قبول نداریم. چون اگر دقت کنید در آیه کلمه الذین تکرار نشده و با «واو» هم آمده است.

ما با برخی که می گویند خود آیه به دو گروه اشاره دارد می گوئیم کلامکم صحیح بود اگر الذین تکرار شده بود یا به جای واو «او» آمده بود.

اگر یک نفر یک پولی به شما داد و گفت این ده میلیون را به ده تا طلبه بده که از سادات باشند و مشغول سطح عالی باشند آیا شما میتوانید یک طلبه سید پیدا کنید غیر سطح عالی ؟

یا سطح عالی پیدا کنید غیر سید ...وقتی الذین تکرار نمی شود و «او» نمی آید؛ نباید گفت: آیه به دو گروه اشاره دارد. واقعیت این است که آیه به یک گروه اشاره دارد.

ما روی این بحث هم حرف داریم که من جرد السلاح لاختافه الناس...

در این گونه موارد بحث قصاص مطرح نیست، بحث حد است یعنی حتی اگر کسی هم شکایتی نکند و یا شکایت کند و از شکایت خود هم صرف نظر کند باید حد جاری شود. لاین محارب و مفسد در لاین حدود وارد می شود.

علمای ما محارب را در حدود می آورند.

الحمد لله رب العالمين